



روپوش مرا به من بدهيد؛ اگر به اندازه ي اين خارها، دام و شتر مي داشتيم، آن را ميان شما تقسيم مي کردم و آنگاه مي دانستيد که من بخيل، دروغگو و ترسو نيستم.

از جبير بن مطعم رضی الله عنه روايت است که می گوید: در بازگشت از "حنين" با رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم. صحرانشينان، اطراف پیامبر صلی الله علیه وسلم را گرفتند و با اصرار و پافشاری از ایشان درخواست مال می کردند، تا جایی که پیامبر صلی الله علیه وسلم را ناگزير نمودند به سمت درخت خارداري برود؛ چنانکه روپوش پیامبر صلی الله علیه وسلم به درخت گیر کرد. لذا پیامبر صلی الله علیه وسلم ایستاد و فرمود: «أَعْطُونِي رِدَائِي، فَلَوْ كَانَ لِي عَدَدُ هَذِهِ الْعِصَاهِ تَعَمًا، لَقَسَمْتُهٖ بَيْنَكُمْ، ثُمَّ لَا تَجِدُونِي بِخِيَلًا وَلَا كَذَّابًا وَلَا جَبَانًا»؛ «روپوش مرا به من بدهيد؛ اگر به اندازه ي اين خارها، دام می داشتيم، آن را ميان شما تقسيم می کردم و آنگاه می دانستيد که من بخيل، دروغگو و ترسو نيستم».

[صحيح است] [به روايت بخاری]

زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم از غزوه ي حنين بازمی گشت - حنين دره ای بين مکه و طائف بود - و جبير بن مطعم رضی الله عنه با ایشان بود، مردمانی چنان برای گرفتن سهمی از غنایم گرد پیامبر جمع شدند که ایشان را به زیر درخت خارداري کشانند؛ تا جایی که ردای پیامبر صلی الله علیه وسلم به خارهای اين درخت آویزان شد؛ و ردایش را کشیدند؛ اين بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «روپوش مرا به من بدهيد؛ اگر به اندازه ي اين خارها، شتر و گاو و گوسفند می داشتيم، آن را ميان شما تقسيم می کردم». سپس فرمودند: «و اگر مرا در اين زمينه تجربه می کرديد، مرا بخيل و دروغگو و ترسو نمی يافتيد».

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/5790>



النجاه الخيرية
ALNAJAT CHARITY

